

مقایسه جریان بالفعل و بالقوه گردشگری با استفاده از الگوی گرانشی؛ (مطالعه موردی: ایران و کشورهای مشترک‌المنافع و قفقاز)

سیدجلال موسوی بازرگان^۱

نسرین عظیمی پناه^۲

چکیده

جریان بین‌المللی گردشگری که نشان‌دهنده جابجایی اتباع یک کشور به سایر کشورها بوده، از دو بعد بالفعل و بالقوه قابل بررسی است. این دو جریان ممکن است بر هم منطبق بوده و یا اینکه از هم فاصله داشته باشند، که در این حالت ما با پدیده «شکاف جریان گردشگری» روبه‌رو خواهیم بود. این پژوهش به مقایسه جریان بالفعل و بالقوه گردشگری میان کشور ایران و کشورهای مشترک‌المنافع و قفقاز پرداخته و به کمک الگوی گرانشی، ارزیابی شکاف جریان گردشگری بین کشورهای مذکور انجام شده است. برای تحلیل داده‌ها از رگرسیون خطی چندگانه و نرم‌افزار «SPSS» استفاده گردید. در این پژوهش شش متغیر مستقل شامل: جمعیت مبدأ، جمعیت مقصد، فاصله بین مبدأ و مقصد، درآمد سرانه مبدأ، درآمد سرانه مقصد و تعداد میراث جهانی ثبت شده در مقصد مورد بررسی قرار می‌گیرد، که پس از ارزیابی آماری مشخص گردید از بین متغیرهای مذکور، سه متغیر تعداد میراث جهانی ثبت شده در مقصد، فاصله بین مبدأ و مقصد و جمعیت مبدأ تأثیر معناداری بر جریان‌های دوجانبه گردشگری میان ایران و کشورهای مشترک‌المنافع و قفقاز داشته و این متغیرها می‌توانند ۴۲ درصد تغییرات جریان گردشگری میان کشورها را تشریح نمایند. **واژگان کلیدی:** جریان بالفعل گردشگری، جریان بالقوه گردشگری، شکاف جریان گردشگری، الگوی گرانشی، کشورهای مشترک‌المنافع و قفقاز.

^۱ استادیار دانشگاه علم و فرهنگ تهران

Email: jmoosavi@yahoo.com

^۲ کارشناس ارشد مدیریت گردشگری، دانشگاه علم و فرهنگ، تهران

Email: nasrin.azimipناه@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۷/۶/۱۷ تاریخ پذیرش: ۹۷/۸/۲۲

مقدمه^۳

توسعه روابط بین‌الملل میان کشورها، جریان‌های مختلفی را در حوزه‌های گوناگون اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به وجود می‌آورد که یکی از آنها جریان گردشگری است. این جریان که نشان‌دهنده جابجایی اتباع یک کشور به سایر کشورها بوده و با اهداف متنوع (تفریحی، تجاری، فرهنگی، دیدار اقوام و دوستان و...) انجام می‌گیرد از دو بعد بالفعل و بالقوه قابل بررسی است. در این پژوهش، مسئله ما برآورد تخمینی از «شکاف جریان گردشگری» بین کشور ایران و کشورهای مشترک المنافع و قفقاز است. جریان بالفعل گردشگری بیانگر تعداد گردشگران ورودی به کشور مقصد در وضعیت موجود و جریان بالقوه نشان‌دهنده ظرفیتی است که کشور مقصد در جذب گردشگران کشور مبدأ دارد. این دو جریان ممکن است بر هم منطبق بوده و یا از هم فاصله داشته باشند، که در این حالت ما با پدیده «شکاف جریان گردشگری» بین دو کشور روبه‌رو خواهیم بود. بزرگی اندازه این شکاف که ناشی از فزونی جریان بالقوه گردشگری بر جریان بالفعل است نشان‌دهنده عدم استفاده کشور مقصد از تمام ظرفیت‌های خود در جذب گردشگر و ارزآوری است. بنابراین باید سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌هایی در جهت تسهیل ورود گردشگران صورت گیرد. برعکس کم بودن شکاف جریان گردشگری حاکی از آن است که کشور مقصد در بهره‌گیری از ظرفیت‌های خود در جذب گردشگران مسیر قابل قبولی را در پیش گرفته و در نتیجه باید برنامه‌هایی را در وهله اول برای حفظ وضع موجود و در وهله دوم افزایش این روند به کار گیرد، تا به حداکثر استفاده از ظرفیت خود در جذب گردشگران دست یابد. طبیعتاً عدم وجود اختلاف بین جریان بالفعل و بالقوه گردشگری مبین استفاده حداکثری از بازار گردشگری کشور مبدأ است.

مراجعه به آمار رسمی سازمان جهانی گردشگری، وضعیت موجود تبادل گردشگر بین کشورها را در اختیار ما قرار می‌دهد. اما هیچ‌گونه برآورد علمی از تعداد گردشگری که می‌توان از این منطقه جذب کرد، وجود ندارد. در نتیجه این واقعیت که آیا جریان بالفعل

^۳ استخراج شده از پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان «مقایسه جریان بالفعل و بالقوه گردشگری با استفاده از الگوی

گرانشی؛ مطالعه موردی: ایران و کشورهای مشترک‌المنافع و قفقاز»، دانشگاه علم و فرهنگ، شهریور ۱۳۹۵

گردشگری منطبق بر ظرفیت کشورها بوده و یا از آن فاصله دارد نیز بر ما پوشیده است. لذا برآورد این شکاف در تعیین بازارهای هدف گردشگری به عنوان یکی از اساسی‌ترین اهداف تحقیقات بازاریابی که همواره از دغدغه‌های اصلی دست‌اندرکاران صنعت گردشگری بوده است، ضروری به نظر می‌رسد. از آنجا که توسعه همکاری‌های بین‌المللی گردشگری عمدتاً از مناطق مجاور و در دسترس آغاز می‌گردد، کشورهای هم‌منطقه و هم‌جوار معمولاً جز اولویت‌های هر کشور در تعیین بازارهای هدف گردشگری هستند. براین اساس، کشورهای منطقه‌ی مشترک‌المنافع و قفقاز شامل ترکیه، روسیه، آذربایجان، ارمنستان، ترکمنستان، گرجستان، قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان، تاجیکستان، اوکراین، بلاروس و مولداوی که اغلب به عنوان کشورهای هم‌جوار با کشور ایران به شمار می‌روند برای این تحقیق انتخاب شده‌اند.

در پژوهش‌های قبلی که در حوزه جریان‌های بین‌المللی و با استفاده از الگوی گرانثی انجام شده، عموماً تفاوت بین وضعیت بالفعل و بالقوه جریان‌های تجاری اندازه‌گیری و مورد بررسی قرار گرفته است، لذا وجه تمایز این پژوهش، انجام آن برای اولین بار (حداقل در داخل کشور) در خصوص جریان‌های گردشگری است.

هدف اصلی پژوهش، اندازه‌گیری شکاف جریان گردشگری بین ایران و کشورهای مشترک‌المنافع و قفقاز و اهداف فرعی آن تعیین عوامل اصلی تأثیرگذار در ایجاد شکاف جریان گردشگری بین ایران و کشورهای مشترک‌المنافع و قفقاز و اولویت‌بندی کشورها به لحاظ جذب گردشگر بر اساس اندازه شکاف به دست آمده است.

مبانی نظری

گردشگری به عنوان یک پدیده رو به رشد بی‌وقفه، علاقه غالب محققین این حوزه را به خود جلب کرده است. اما اکثر مطالعات در این حوزه متوجه بررسی ایده‌ها و نظرها بوده و تحلیل صریح و روشنی از حرکت‌های مشاهده شده، ارائه نکرده‌اند. الگوهای مختلف جریان‌های گردشگری که تاکنون مشاهده شده‌اند، محققان را متوجه نیاز به شناخت این

جریان‌ها، شرح الگوی آنها و همچنین بررسی عوامل مؤثر بر پدید آمدن آنها کرده است (۹-۴ (۱) ۳۳: ۱۹۸۷, Pearce).

از اوایل دهه ۱۹۶۰، اکثر مطالعات مرتبط با الگوهای بین‌المللی جریان‌های گردشگری از نوع توصیفی هستند. در نتیجه موضوع اصلی این مطالعات، تهیه نمودارهایی از تواتر حرکات گردشگری بوده است. در بسیاری از این مطالعات، دو سطح الگوی جریان توصیفی مشاهده می‌شود. در گام نخست، حرکات عموماً به دو گروه اصلی تقسیم می‌شوند: گردشگران «ورودی» و «خروجی». گام دیگر معمولاً به تجزیه این دو گروه بر اساس کشور مبدأ و کشورهای مقصد مربوط می‌شود (۵۶-۳۷ (۱) ۹: ۱۹۸۲, White and Walker). در برخی موارد، تجزیه جریان‌های گردشگری پیش‌تر هم می‌رود و مبنای کار را پارامترهای مختلفی مثل: نوع حمل و نقل، طول مدت اقامت واقعی و قابل انتظار و قصد از سفر (تعطیلات، ملاقات دوستان و اقوام، سفر کاری و یا ترکیبی از آنها قرار می‌دهد. (Mansfeld, n.d: ۳۷۲)

فاز دوم تحلیل توصیفی الگوهای گردشگری با انتشار جریان‌های مختلف سروکار داشته و معمولاً مبنای آن اقتصادی- اجتماعی و جمعیت‌شناسی است. این تجزیه امکان ارائه یک تصویر مشروح‌تر از الگوهای فرعی که متشکل از الگوی کلی گردشگری هستند را فراهم می‌آورد (۳۷۷, ibid)، برخی مطالعات نیز تلاش کرده‌اند گردشگری چرخه‌ای را در بطن جریان‌های مشاهده شده، شناسایی کنند. آنان فرض را بر این گذاشته‌اند که تعهدزایی نسبت به یک مقصد گردشگری بین‌المللی سبب برقراری جریان از طرف یک مقصد به یک مقصد گردشگری دیگر می‌شود. یک آنالیز توصیفی از این چرخه‌های دو سویه به صنعت گردشگری و نهادهای دولتی و وزارت‌خانه‌های فعال در عرصه گردشگری امکان کنترل و نظارت بخشیده و به این ترتیب زمینه را برای پیش‌بینی جریان‌های آتی ورودی و خروجی گردشگری، مهیا می‌سازند. (۳۷۷, ibid)

پس به نظر می‌رسد توصیف جریان‌های گردشگری می‌تواند برنامه‌ریزان و سیاست‌مداران صنعت گردشگری را در پیش‌بینی جریان‌های گردشگر، مقاصد مختلف و در نتیجه اولویت‌بندی آنها جهت توسعه و تقویت جریان‌های گردشگری یاری رساند.

مطالعاتی که از سوی جامعه‌شناسان و تحلیل‌گران بازاریابی و جغرافی‌دانان در حوزه جریان‌های گردشگری انجام گرفته، عمدتاً بر اثر عناصری چون؛ دسترسی به وقت آزاد، دسترسی به پول پس‌انداز، دسترسی به سامانه‌های حمل و نقل، الزامات خانوادگی، الزامات محل کار فرد و ارزش‌ها و هنجارهای رفتار گردشگری حاکم بر گروه مرجع هر فرد متمرکز بوده‌اند. اکثر محققان در این مطالعات چنین نتیجه گرفته‌اند که اثر استفاده از این فیلترها، هدایت فرایند انتخاب به مسیر غایی آن است، بنابراین تا حد زیادی بر انتخاب مقصد نهایی اثرگذار هستند. (ibid, ۳۸۷)

پس می‌توان استنباط کرد، عواملی همچون درآمد سرانه، ویژگی‌های فرهنگی و فاصله که به برخی از عناصر فوق مرتبط است، از عوامل مهم در انتخاب مقاصد بوده و در شکل‌گیری جریان‌های گردشگری مؤثر هستند، لذا هرگونه ایجاد شکاف در این جریان‌ها را نیز می‌توان به این عوامل نسبت داد.

به‌رغم مطالعات متعددی که در خصوص پیش‌بینی گردشگری در ۵ دهه اخیر انجام شده‌اند، هیچ اجماع نظری در خصوص اینکه کدام مدل پیش‌بینی دقیق‌تر است و در چه محیطی بیشترین کارایی را دارد، وجود ندارد. پیش از دهه ۱۹۹۰، روش‌های سنتی رگرسیون بر این مدل‌ها غالب بودند. پس از ارتقا و به‌روزرسانی روش‌های اقتصادسنجی در سال‌های اخیر، شدت مدل‌های پیش‌بینی مبتنی بر اقتصادسنجی فزونی یافته است. (Song and Li, ۲۰۰۸:۲۹, ۲۰۳-۲۲۰)

مطالعات منتشر شده در دوره زمانی ۲۰۱۱-۱۹۶۱، نشان می‌دهد که مقصد، مبدأ، زمان، روش مدل‌سازی، تواتر داده‌ها، متغیرهای تقاضا و اندازه‌گیری آنها و اندازه نمونه همگی از عوامل تأثیرگذار مهم بر دقت پیش‌بینی هستند. مطالعات آینده می‌توانند کاربردهای بیشتر پیش‌بینی‌ها را گسترش دهند، چرا که تعداد این مطالعات به شدت رو به رشد بوده و ریسک شکست کامل پیش‌بینی را کاهش می‌دهند. بنابراین مدل‌های پیش‌بینی بهتر بر اساس ویژگی‌های مطالعه و داده‌های به کار رفته در مدل می‌توانند دست‌اندرکاران را در انتخاب گزینه‌های بهتر روش پیش‌بینی کمک کرده، تا به سیاست‌های مؤثرتر و تصمیم‌های مفید در عرصه کسب و کار دست یابند. (Peng, Song and Crouch, ۲۰۱۴:۴۵, ۱۸۱-۱۹۳)

بر همین اساس در این پژوهش نیز از الگوی گرانشی به عنوان یکی از روش‌های اقتصادسنجی استفاده شده است. «مدل‌های جاذبه» که در دهه ۱۹۶۰ تدوین شده، از قیاس با قوانین فراگیر جاذبه نیوتون ریشه گرفته‌اند تا براین اساس، الگوهای تجارت بین‌المللی را شرح دهند. این مدل ناظر بر جریان‌های دوسویه بین دو کشور است که البته رابطه مستقیمی با وضعیت اقتصادی توده مردم و رابطه معکوسی با فاصله بین دو کشور دارد. این مدل‌ها برای تشریح جریان‌های بین‌المللی تجارت، مهاجرت و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی مناسب بوده و در این حوزه‌ها از کاربرد فراوانی برخوردار بوده‌اند (Morley, Rosselló, ۲۰۱۴: ۱ and Santana-Gallego).

همانگونه که مورلی، روسلو و سانتاناگالگو (۲۰۱۴)، در مطالعات خود اشاره کرده‌اند، این مدل‌ها زمانی به کار می‌روند که ناگزیر از ارزیابی نقش عوامل ساختاری در گردشگری باشیم. با تکیه بر فرمول اولیه الگوی گرانشی، ویژگی‌های ظریف و دقیقی از آن استخراج شده که شامل مجموعه‌ای کامل‌تر از متغیرهای توضیحی بوده و امکان تمایز بین کشورهای مبدأ و مقصد را فراهم می‌آورند. موفقیت‌های الگوی گرانشی در عرصه تجارت بین‌المللی سبب شد طی دهه اخیر، معادله جاذبه در ادبیات تحقیق تقاضای گردشگری هم رسوخ یابد. در واقع کی‌مورا و لی، نشان دادند که تجارت خدمات با معادلات جاذبه خیلی بهتر از تجارت کالا قابل پیش‌بینی است. «کیوم»، اعتبار معادله جاذبه برای شرح جریان‌های گردشگری را روشن ساخت و الگوهای جریان‌های گردشگری بین‌المللی را با آن توجیه کرد.

فرمول اولیه معادله جاذبه، شامل تمرکز جمعیتی و فاصله بین دو منطقه‌ای است که در فرمول مدل‌های فضایی و برخوردار از متغیرهای توضیحی مثل درآمد، سطح نرخ‌ها، نرخ‌های جایگزینی و اثرات فرهنگی و... بین مبدأ و مقصد لحاظ می‌شوند (ibid: ۳). «پریدوکس» با ترکیب سوابق تحقیق و تجزیه و تحلیل داده‌های جریان گردشگری به بررسی ساختار گردشگری دو جانبه پرداخت و دسته‌بندی عوامل مختلف تأثیرگذار بر اندازه کلی جریان‌های گردشگری را مطرح کرد. مدل جدید وی که از مدل‌های جاذبه است و اخیراً در تحقیقات کاربرد زیادی پیدا کرده به شرح زیر است:

$$\ln N_{IJ} = \beta + \sum_{s=1}^S \alpha_s \ln ZO_I^s + \sum_{p=1}^P \lambda_p \ln ZD_J^p + \sum_{r=1}^R \xi_r \ln ZOD_{IJ}^r$$

که در آن N_{IJ} معرف تقاضای گردشگری است و همواره با تعداد گردشگران ورودی بین مبدأ I و مقصد J تعیین می‌شود؛ ZO^S بردار متغیرهای S است که نیروی محرک گسیل گردشگران از منطقه I را مشخص می‌کند (از جمله متغیر سرانه تولید ناخالص داخلی در مبدأ)؛ ZD^P بردار متغیرهای P است که نیروی جاذب گردشگران بر منطقه J را تعیین می‌کنند (مثل سرانه تولید ناخالص داخلی در منطقه مقصد)؛ ZOD^R بردار متغیرهای R است که هزینه‌ها را برای گردشگران منطقه J که از منطقه I آمده‌اند مشخص می‌سازد (شامل $Dist_{IJ}$ هم می‌شود)؛ و β ، α_s ، λ_p و ξ_r بردارهای متغیرهایی هستند که باید تعیین شوند.

طبق نظر مورلی، روسلو و سانتانا، مدارک بر جای مانده از مطالعات تجربی چند دهه‌ای مدل‌سازی درباره تقاضای گردشگری به روشنی نشان می‌دهند که عوامل تعیین‌کننده تقاضا از نظر اثرگذاری بر مبدأهای مختلف گردشگری تفاوت دارند. این مباحث به پاره‌ای تفکیک‌ها و تعیین اجزای مبدأهای گردشگری منجر شدند. به این ترتیب، این تمایل رفته رفته از مبدأها به مقاصد گردشگری هم تسری یافت و به آنالیز جریان‌های گردشگری در زوج «مبدأ-مقصد» منجر گردید.

استفاده از مدل‌های مستقل برای هر زوج «مبدأ و مقصد»، یک راه برای نیل به بخش‌بندی است، ولی روش‌های دیگر هم می‌توانند بدون چشم‌پوشی از ویژگی‌های واقعی سیستم‌های تقاضای گردشگری به نتایج مشابهی دست یابند. مثلاً، برآورد مستقل جریان‌ها از مبدأهای متنوع به سوی یک مقصد خاص باعث می‌شود این حقیقت که «جریان‌ها تحت تأثیر عوامل مشترک عدیده‌ای از جمله متغیرهای توضیحی در یک آنالیز رگرسیون (مثل نرخ‌ها در مقصد) یا عوامل منجر به خطاهای تصادفی (مثل شیوع عملیات تروریستی) هستند»، نادیده گرفته شود. جریان‌ها در مناطق مبدأ مستقل نیستند ولی ممکن است هر جریان مستقل از سایر جریان‌ها بررسی شود و طبعاً بخشی از اطلاعات مهم در خصوص عوامل مشترک و

اثرات آنها که می‌توانند کیفیت مدل را بهبود بخشند، مغفول خواهد ماند (Morley, ۲۰۱۴:۷). (Rosselló and Santana-Gallego, ۲۰۱۴:۷). مدل‌سازی تقاضا از جریان‌های گردشگری که از رویکرد اقتصاد مشتری ریشه می‌گیرند نیز به حذف نگرانی‌های طرف عرضه گرایش نشان داده‌اند. حامیان «مدل‌های جاذبه» (مثل ماروک و پاسی، ۲۰۱۳) در پژوهشی نشان دادند که تعیین ویژگی‌های جریان‌های گردشگری به عنوان تجارت خدمات و استفاده از تئوری تجارت اقتصادی به این معنی است که توجه بیشتر به طرف عرضه و عوامل مرتبط با مقصد ضروری است. مدل‌های اقتصاد مشتری اساساً در خصوص تأمین فاکتورهای طرف عرضه با یک ضریب ثابت خاص برای هر زوج «مبدأ- مقصد» به خوبی عمل می‌کنند و با این انتقاد از درجه اعتبار ساقط نمی‌شوند، بلکه تنها از عهده ارائه نتایج برای کار روی مسائل عرضه بر نمی‌آیند. ماروک و پاسی در حمایت از بسط «مدل‌های جاذبه»، همبستگی‌های فضایی پیچیده‌تر از آنچه که در سنجش فاصله مبدأ- مقصد مطرح بود را ضروری انگاشتند و حال آنکه بی‌توجهی به آنها، سبب بی‌توجهی به اثرات مجاورت مبدأ و مقصد می‌شود.

مرور ادبیات تحقیق

طبق بررسی‌های به عمل آمده، موضوع این مقاله در کارهای پژوهشی داخلی و خارجی انجام نگردیده است. بنابراین از پژوهش‌هایی الگوبرداری شده که از مدل گرانشی در تخمین جریان بالقوه سایر جریان‌های بین‌المللی از قبیل تجارت، مهاجرت و... استفاده کرده‌اند. در واقع برای اولین بار اصطلاح «شکاف جریان گردشگری» با استنباط از توضیحات و نتایج سایر تحقیقات که از الگوی گرانشی برای برآورد وضعیت بالفعل و بالقوه جریان‌های بین‌المللی استفاده کرده‌اند، در این پژوهش ارائه شده است.

پژوهشی در سال ۲۰۱۳ توسط محققین ایرانی، ناصر نصیری و سعید حاج حسنی اصل در ترکیه تحت عنوان «بررسی پتانسیل تجاری بین‌المللی ایران» انجام پذیرفت. در این مطالعه که از مدل گرانشی استفاده گردیده، ظرفیت تجاری بین ایران و ۱۶۱ شریک تجاری آن در سال ۲۰۱۱ مورد بررسی قرار گرفته و شکاف بین جریان بالفعل و بالقوه تجاری در میان کشورهای عضو تخمین زده شده است. این تحقیق، همچنین براساس مقادیر جریان‌های

بالقوه تجاری با مقادیر واقعی جریان‌های تجاری، به اولویت‌بندی شرکای تجاری ایران پرداخته است. لذا در پژوهش حاضر نیز با الگوبرداری از تجربه مذکور، با تخمین و مقایسه جریان‌های بالفعل و بالقوه گردشگری میان کشور ایران و کشورهای مشترک‌المنافع و قفقاز به اولویت‌بندی آنها براساس میزان شکاف به دست آمده، پرداخته شده است.

«فابیو گیتانو سانترامو» و «ماریانجلا مورلی»، در مطالعه‌ای با عنوان «مدل‌سازی جریان‌های گردشگری از طریق مدل‌های گرانشی با رویکرد رگرسیون چارکی»، دریافتند که مسافت بین مبدأ و مقصد، درآمد، موافقت‌نامه‌های دوجانبه و میزان بالای شهرنشینی، جز عوامل تعیین‌کننده در جذب گردشگران است.

در پژوهشی که توسط «بو یینگ»، «حیان سانگ» و «جفری آی. کروچ» با عنوان «فراتحلیلی از پیش‌بینی گردشگری بین‌المللی و نتایج کاربردی آن» انجام دادند، از متا‌آنالیز برای بررسی روابط بین دقت مدل‌های پیش‌بینی جریان‌های بین‌المللی گردشگری استفاده کردند و با مرور ۲۶۲ مطالعه منتشر شده در دوره زمانی ۲۰۱۱-۱۹۶۱ به این نتیجه دست یافتند که مقصد، مبدأ، زمان، روش مدل‌سازی، تواتر داده‌ها، متغیرهای تقاضا و اندازه‌گیری آنها و اندازه نمونه همگی از عوامل تأثیرگذار مهم بر دقت پیش‌بینی هستند.

«کلیو مورلی»، «جانوم روسلو» و «ماریا سانتانا گالدو» در تحقیقی تحت عنوان «مدل‌های جاذبه تقاضای گردشگری؛ تئوری و کاربرد»، به مبنایی تئوری در تقاضای گردشگری رسیدند که نشان می‌دهد می‌توان یک «معادله جاذبه» را از مطلوبیت فردی استخراج کرد.

«گو کونگ» و «گو یاکینگ» در مطالعه‌ای تحت عنوان «تأثیر فاصله فرهنگی بر گردشگران ورودی با استفاده از مدل گرانشی» نشان دادند که به‌رغم اینکه تفاوت‌های فرهنگی می‌تواند یکی از جذاب‌ترین منابع برای جذب گردشگران باشند، در صورتی که برنامه‌های منسجم برای کمک به گردشگران خارجی جهت درک بهتر این تفاوت‌ها در مقصد وجود نداشته باشد، این فاکتور می‌تواند به عنوان عامل بازدارنده عمل کند.

در پژوهشی توسط «قدیر کاراگز» و «ام. اوزان سرای»، تحت عنوان «پتانسیل تجاری ترکیه با کشورهای آسیا-اقیانوسیه» از مدل گرانشی پانل برای اندازه‌گیری جریان بالقوه تجاری بین ترکیه و کشورهای آسیا-اقیانوسیه استفاده کرده و نشان دادند که سطح اقتصادی کشورها تأثیر مثبت بر حجم تجارت بین ترکیه و کشورهای آسیا-اقیانوسیه داشته، در حالی که

فاصله، نقش منفی در این خصوص ایفا می‌کند و اندازه جمعیت نیز اثر چندان معناداری بر این جریان ندارد.

در این پژوهش نیز سعی شده تا با در نظر گرفتن متغیرهایی که اثرشان در تحقیقات پیش‌گفته بر جریان‌های بین‌المللی گردشگری مورد تأکید قرار گرفته است، از آن دسته از متغیرهایی که اطلاعات آماری آنها در مورد جامعه آماری این تحقیق (کشورهای ایران و مشترک‌المنافع و قفقاز) در دوره زمانی مورد نظر (سال ۲۰۱۴) در دسترس بوده است، برای مقایسه جریان‌های بالفعل و بالقوه گردشگری مقاصد و محاسبه شکاف جریان گردشگری میان آنها استفاده شود.

روش تحقیق

این پژوهش که به لحاظ هستی‌شناختی جز پارادایم‌های ساختاری دسته‌بندی می‌شود با رویکرد استقرایی انجام پذیرفته است. روش انجام پژوهش، تحلیل رگرسیون خطی چندگانه و بکارگیری الگوی گرانشی و معادلات مربوطه برای تخمین جریان بالقوه گردشگری میان کشور ایران و کشورهای مشترک‌المنافع و قفقاز و مقایسه آن با جریان بالفعل گردشگری میان کشورهای یاد شده است.

الگوی گرانشی که برگرفته از قانون جاذبه نیوتن ($F = K \frac{M_1 M_2}{d^2}$) است به ما اجازه می‌دهد تا جریان‌های بالقوه بین کشورها را تخمین زده و اثرات تغییر هر کدام از عوامل را نیز بر روی این جریان اندازه‌گیری کنیم.

همان‌گونه که در مبانی نظری ذکر شد، فرمول اولیه «معادله جاذبه» شامل تمرکز جمعیتی و فاصله بین دو منطقه مبدأ و مقصد است. لذا در حرکات دو جانبه گردشگری، درجه تعامل مبدأ و مقصد مستقیماً به تراکم جمعیت دو منطقه و به‌طور معکوس با فاصله دو منطقه در ارتباط است. لذا در این الگو کشورها به عنوان اجرام در فرمول فوق در نظر گرفته می‌شوند. در این راستا، متغیر جمعیت در مبدأ و مقصد به عنوان جرم کشورها و برای فاصله بین آنها نیز فاصله جغرافیایی پایتخت‌ها، در نظر گرفته شده است. بنابراین با جای‌گذاری متغیرهای

یاد شده الگوی فوق برای جریان‌ات گردشگری بطور مشابه به صورت زیر بازنویسی شده است:
معادله (۲):

$$A_{IJ} = B \frac{(P_I)^{\beta_1} (P_J)^{\beta_2}}{(Dist_{IJ})^{\beta_3}} U_{IJ}$$

که در آن A_{IJ} معرف جریان بین‌المللی گردشگری بین دو منطقه I و J است؛ P_I به جمعیت مبدأ و P_J به جمعیت مقصد اشاره دارد؛ $Dist_{IJ}$ ، فاصله جغرافیایی بین مبدأ و مقصد است؛ U_{IJ} خطای نرمال لگاریتم است، B ضریب ثابت $\beta_1, \beta_2, \beta_3$ ، ضرایب متغیرهای تخمینی هستند.

برای ساختن مدل خطی از معادله فوق، ناگزیر از استفاده از لگاریتم طبیعی مربوط به ارقام متغیرهای فوق بوده که با لگاریتم‌گیری، معادله فوق به معادله‌ای خطی، مرکب از جملات حاوی متغیرها به شرح زیر تبدیل شد:

$$\ln A_{IJ} = B + \beta_1 \ln P_I + \beta_2 \ln P_J + \beta_3 \ln Dist_{IJ} + \varepsilon_{IJ} \quad \text{معادله (۳)}$$

همان‌گونه که در مبانی نظری ذکر گردید، متغیرهای تأثیرگذار بر جریان‌های گردشگری شامل سه دسته هستند: یک گروه شامل عوامل محرک گسیل گردشگران از مبدأ I به مقصد J مانند درآمد سرانه و جمعیت، یک گروه شامل عوامل جاذب مقصد J برای گردشگران مبدأ I ، مانند درآمد سرانه مقصد و جاذبه‌های گردشگری و یک گروه نیز شامل عوامل بازدارنده حرکت گردشگران از مبدأ I به مقصد J مانند فاصله جغرافیایی، تفاوت‌های فرهنگی و ... هستند. بنابراین، علاوه بر متغیرهای ذکر شده در معادله (۳) به عنوان فاکتورهای اصلی الگوی گرانشی، می‌توان سایر متغیرهایی را که بر اساس تجارب گذشته در پیش‌بینی جریان‌های گردشگری مؤثر بوده‌اند را، در نظر گرفت.

با توجه به اینکه طبق نظر متخصصین آمار، نسبت متغیرهای مستقل و حجم نمونه باید ۱ به ۱۵ باشد و در پژوهش حاضر نیز حجم نمونه ۱۱۰ است، امکان در نظر گرفتن حداکثر ۷ متغیر مستقل وجود داشت که در نهایت ۶ متغیر مستقل شامل: جمعیت مبدأ، جمعیت مقصد، فاصله مبدأ و مقصد، درآمد سرانه مبدأ، درآمد سرانه مقصد و تعداد میراث جهانی ثبت شده در مقصد مورد بررسی قرار گرفت تا در نهایت بهترین متغیرها برای معادله رگرسیون براساس تحلیل نتایج انتخاب شوند. در این پژوهش، جامعه آماری شامل کشور ایران و مجموعه کشورهای مشترک المنافع و قفقاز (ترکیه، روسیه، آذربایجان، گرجستان، تاجیکستان، قزاقستان، قرقیزستان، اوکراین، بلاروس، مولداوی، ترکمنستان، ارمنستان و ازبکستان) در نظر گرفته شده است.

به دلیل اینکه این مطالعه در پی بررسی روابط گردشگری دوجانبه بین کشورهاست، بنابراین مبنای جریان بالفعل گردشگری بین ایران و سایر کشورها، آمار ورودی گردشگران به کشورها در سال ۲۰۱۴ (آخرین آمار در دسترس در زمان انجام پژوهش)، براساس آمار رسمی سازمان جهانی گردشگری قرار گرفته و سپس جریان بالقوه گردشگری میان آنها با بهره‌گیری از الگوی گرانشی و رگرسیون خطی چندگانه و با کمک نرم افزار «SPSS ۲۲» محاسبه و بررسی شده است. لذا با توجه به اینکه آمار مربوط به اطلاعات گردشگری سه کشور ترکمنستان، ازبکستان و ارمنستان در سال ۲۰۱۴، در دسترس قرار نداشت، سه کشور یاد شده در مراحل ابتدایی تحقیق از جامعه آماری حذف گردید. سایر کشورها که در مجموع مشتمل بر ۱۱ کشور بودند به صورت زوج کشور دسته‌بندی شده و از شماره ۱ تا ۱۱۰ کدگذاری و سپس در «SPSS» وارد شدند.

در این پژوهش از روش کتابخانه‌ای برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده گردید و به منظور تدوین مبانی نظری، ارائه تعاریف و بررسی پیشینه از کتاب‌ها، مقالات و پایان‌نامه‌های داخلی و خارجی و همچنین ترجمه مقالات انگلیسی استفاده شده است. همچنین جهت

جمع‌آوری آمار مورد نیاز در دوره زمانی مورد نظر در این پژوهش (سال ۲۰۱۴)، از پایگاه‌های اطلاعاتی معتبر از جمله سایت سازمان جهانی گردشگری (<https://www.e-unwto.org>) برای دستیابی به آمار گردشگران ورودی و خروجی، پایگاه اطلاعات CIA (www.cia.gov) برای آمار مربوط به جمعیت، تولید ناخالص داخلی، درآمد سرانه، پایگاه اطلاعات Distance Calculator (<https://distancecalculator.globefeed.com>) به منظور اندازه‌گیری فاصله جغرافیایی بین پایتخت کشورها و سایت یونسکو (<https://whc.unesco.org>) برای دستیابی به تعداد میراث جهانی ثبت شده کشورها استفاده شده است.

در زمینه تجزیه و تحلیل داده‌ها، از آمار توصیفی برای کمی کردن و تلخیص اطلاعات جمع‌آوری شده در مورد جامعه آماری و از آمار استنباطی برای تعیین همبستگی بین متغیرها و محاسبه ضرایب مربوطه، تعیین ضرایب معادلات خطی رگرسیون و از آزمون معنی‌داری رگرسیون خطی چندگانه به منظور تخمین جریان‌های بالقوه گردشگری میان کشورها استفاده شده است.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

به منظور بررسی عادی بودن توزیع داده‌های متغیر جریان بالفعل گردشگری به عنوان متغیر وابسته از آزمون کولموگوروف-اسمیرنوف استفاده شده، که با اثبات عادی بودن توزیع داده‌های این متغیر، مقدار همبستگی و سطح معنی‌داری بین متغیر جریان بالفعل گردشگری از مبدأ I به مقصد J با متغیرهای مستقل شامل جمعیت کشور مبدأ، جمعیت کشور مقصد، درآمد سرانه کشور مبدأ، درآمد سرانه کشور مقصد، فاصله جغرافیایی بین مبدأ و مقصد، و تعداد میراث جهانی ثبت شده در کشور مقصد نیز مورد آزمون قرار گرفته است و همان‌طور که در جدول (۱) مشاهده می‌شود، مشخص گردید از میان ۶ متغیر مستقل، فقط سه متغیر جمعیت کشور مبدأ، فاصله جغرافیایی بین مبدأ و مقصد و تعداد میراث جهانی ثبت شده در مقصد دارای رابطه معنادار با جریان بالفعل گردشگری از مبدأ I به مقصد J گردشگری بوده‌اند.

جریان بالفعل گردشگری از مبدأ I به مقصد J		متغیر
سطح معناداری	ضریب همبستگی	
۰/۰۲۹	*۰/۲۰۹	درآمد سرانه کشور مبدأ
۰/۰۰۰	**۰/۳۵۹	درآمد سرانه کشور مقصد
۰/۰۰۰	**۰/۳۵۵	فاصله جغرافیایی بین مبدأ و مقصد
۰/۰۲۲	*۰/۲۱۸	جمعیت کشور مبدأ
۰/۰۰۰	**۰/۵۰۴	جمعیت کشور مقصد
۰/۰۰۰	**۰/۵۱۰	تعداد میراث جهانی ثبت شده در کشور مقصد

جدول ۱: بررسی آزمون همبستگی

جهت تعیین متغیری که بیشترین تأثیر را بر جریان بالفعل گردشگری از مبدأ I به مقصد J دارد از رگرسیون خطی چندگانه به روش گام به گام استفاده شده است. در این روش متغیرهای مستقل یکی یکی به مدل اضافه می‌شوند و اگر نقش معنی‌داری در رگرسیون نداشته باشند (با توجه به سطح معنی‌داری آزمون) از آن حذف می‌شوند. با اجرای مدل مشخص می‌شود برآزش رگرسیون در ۳ گام انجام شده است.

متغیر ورودی در هر گام	مدل
تعداد میراث جهانی ثبت شده در کشور مقصد	۱
فاصله جغرافیایی بین مبدأ و مقصد	۲
جمعیت کشور مبدأ	۳ (مدل نهایی)

جدول ۲: متغیرهای وارد شده به مدل

در جدول خلاصه مدل، بررسی برآزش مدل رگرسیونی به داده‌ها انجام گرفته است. یکی از مفروض‌های اساسی تحلیل رگرسیون چندگانه، استقلال متغیرهای مستقل و یا به عبارت دیگر عدم ارتباط خطاهای متغیرهای مستقل با یکدیگر است که این فرض توسط آزمون دوربین و واتسون بررسی می‌شود.

مدل	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای معیار تخمین	آماره دوربین واتسون
۱	۰/۵۱۰	۰/۲۶۰	۰/۲۵۳	۳/۰۱۶	-
۲	۰/۶۰۸	۰/۳۶۹	۰/۳۵۷	۲/۷۹۷	-
۳	۰/۶۶۰	۰/۴۳۶	۰/۴۲۰	۲/۶۵۹	۱/۵۶۵

جدول ۳: خلاصه نتایج توصیفی مدل رگرسیونی

بدین ترتیب، همان‌طور که در جدول (۳) مشاهده می‌شود، مقدار آماره دوربین واتسون (۱/۵۶۵) در فاصله ۱/۵-۲/۵ قرار دارد، بنابراین با اثبات فرضیه عدم وجود همبستگی بین خطاها از رگرسیون استفاده گردید.

در جدول خلاصه مدل، همچنین ضریب همبستگی چندگانه و ضریب تعیین، یعنی همان مجذور همبستگی چندگانه، مشخص شده است. ضریب تعیین در واقع درصد واریانس قابل پیش‌بینی متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل را تعیین می‌کند. اما، چون برآورد واریانس تبیین شده از یک نمونه همیشه بیشتر از حد واقعی آن در جامعه است، عموماً ضریب تعیین تعدیل شده که به مقدار واقعی نزدیکتر است در نظر گرفته می‌شود.

لذا همان‌گونه که در جدول (۳) مشاهده می‌شود، مقدار ضریب تعیین تعدیل شده برای مدل سوم با ۳ متغیر از سایر مدل‌ها بیشتر و خطای معیار تخمین نیز از سایر مدل‌ها کمتر است. مقدار ضریب تعیین تعدیل شده مدل نهایی برابر ۰/۴۲ است که نشان می‌دهد ۴۲٪ از تغییرات متغیر وابسته به کمک متغیرهای مستقل قابل تبیین است.

جدول «Anova» مربوط به معناداری مقادیر مجذور همبستگی است و سطوح معنی‌داری «Sig» در این جدول مربوط به همبستگی‌های چندگانه است.

سطح معنی داری	آماره F	میانگین مربعات	درجه آزادی	مربعات	منبع تغییرات	مدل
۰/۰۰۰	۳۷/۹۷۲	۳۴۵/۴۳۰	۱	۳۴۵/۴۳۰	رگرسیون	۱
		۹/۰۹۷	۱۰۸	۹۸۲/۴۶۵	خطا	
		-	۱۰۹	۱۳۲۷/۸۹۵	کل	
۰/۰۰۰	۳۱/۳۱۷	۲۴۵/۱۴۷	۲	۴۹۰/۲۹۴	رگرسیون	۲
		۷/۸۲۸	۱۰۷	۸۳۷/۶۰۱	خطا	
		-	۱۰۹	۱۳۲۷/۸۹۵	کل	
۰/۰۰۰	۲۷/۲۶۴	۱۹۲/۷۸۸	۳	۵۷۸/۳۶۴	رگرسیون	۳
		۷/۰۷۱	۱۰۶	۷۴۹/۵۳۱	خطا	
		-	۱۰۹	۱۳۲۷/۸۹۵	کل	

جدول ۵: آزمون «ANOVA»

لذا در جدول (۵) با توجه به مقداره آماره آزمون F (۲۷/۲۶۴) و معنی داری آن در سطح اطمینان بالای ۹۵٪، معادله رگرسیون معتبر بوده و نتایج آن قابل تحلیل است.

سطح معنی داری	آماره t	ضریب استاندارد شده بتا	خطای استاندارد	B	متغیر	مدل
۰/۰۰۰	۱۲/۵۸۱	-	۰/۵۴۶	۶/۸۶۵	عدد ثابت	۱
۰/۰۰۰	۶/۱۶۲	۰/۵۱۰	۰/۳۰۰	۱/۸۵۱	تعداد میراث جهانی ثبت شده در کشور مقصد	
۰/۰۰۰	۶/۲۵۹	-	۳/۴۲۵	۲۱/۴۳۶	عدد ثابت	۲
۰/۰۰۰	۶/۴۱۹	۰/۴۹۳	۰/۲۷۹	۱/۷۹۱	تعداد میراث جهانی ثبت شده در کشور مقصد	
۰/۰۰۰	-۴/۳۰۲	-۰/۳۳۱	۰/۴۵۳	-۱/۹۴۹	فاصله جغرافیایی بین	

					مبدأ و مقصد	
۰/۰۰۰	۴/۶۶۵		۱/۸۶۲	۸/۶۸۸	عدد ثابت	۳
۰/۰۰۰	۷/۰۷۲	۰/۵۱۹	۰/۲۶۷	۱/۸۸۵	تعداد میراث جهانی ثبت شده در کشور مقصد	
۰/۰۰۰	-۴/۳۹۴	-۰/۳۲۱	۰/۴۳۱	-۱/۸۹۳	فاصله جغرافیایی بین مبدأ و مقصد	
۰/۰۰۱	۳/۵۲۹	۰/۲۵۹	۰/۲۰۷	۰/۷۳۰	جمعیت کشور مبدأ	

جدول ۶: تحلیل رگرسیونی و ضرایب رگرسیون

با توجه به جدول (۶) فقط متغیرهای تعداد میراث جهانی ثبت شده در کشور مقصد و فاصله جغرافیایی بین مبدأ و مقصد و جمعیت کشور مبدأ، معنا دار بوده و وارد مدل رگرسیونی می‌شوند. که در این میان، می‌توان گفت جریان بالفعل گردشگری از مبدأ I به مقصد J با متغیرهای تعداد میراث جهانی ثبت شده در کشور مقصد و جمعیت کشور مبدأ رابطه مستقیم و با متغیر فاصله جغرافیایی بین مبدأ رابطه معکوس دارد. با توجه به قدر مطلق مقدار ضریب بتای استاندارد شده می‌توان گفت متغیر «تعداد میراث جهانی ثبت شده در کشور مقصد» با ضریب بتای استاندارد شده (۰/۵۱۹) بیشترین تأثیر را بر جریان بالفعل گردشگری از مبدأ I به مقصد J دارد و متغیر «جمعیت کشور مبدأ» با ضریب بتای استاندارد شده (۰/۲۵۹) کمترین تأثیر را بر جریان بالفعل گردشگری از مبدأ I به مقصد J دارد. متغیرها به ترتیب تأثیرگذاری بر جریان بالفعل گردشگری از مبدأ I به مقصد J عبارتند از:

- تعداد میراث جهانی ← ثبت شده در کشور مقصد $\beta=0/519$
- فاصله جغرافیایی بین مبدأ و مقصد $\beta=-0/321$
- جمعیت کشور مبدأ ← $\beta=0/259$

لذا توجه به اطلاعات مندرج در جدول (۶) و با استفاده از متغیرهای مدل نهایی و ضرایب استاندارد شده با بتا، معادله خطی گرانشی حاصل از نتایج پژوهش به شرح ذیل است:
معادله (۴):

$$\ln A'_{ij} = B + \beta_1 \ln Whc_j + \beta_2 \ln P_i - \beta_3 \ln Dist_{ij} + \varepsilon_{ij}$$

که در آن B ضریب ثابت، A'_{ij} جریان بالقوه گردشگری، P_i جمعیت کشور مبدأ، $Dist_{ij}$ فاصله جغرافیایی بین مبدأ و مقصد، β_1 ، β_2 و β_3 ضرایب متغیرهای مستقل و ضریب خطای استاندارد است. با توجه به مقادیر ثابت و مقادیر ضرایب بتای استاندارد به دست آمده، مدل نهایی در جدول (۶)، معادله نهایی به صورت زیر خواهد بود:
معادله (۵):

$$\ln A'_{ij} = ۱/۶۸۸ + ۰/۵۱۹ \ln Whc_j + ۰/۲۵۹ \ln P_i - ۰/۳۲۱ \ln Dist_{ij} + ۱/۸۶۲$$

با جای‌گذاری مقادیر مربوطه در معادله (۵)، مقادیر جریان بالقوه گردشگری میان زوج کشورها تخمین زده شد و با تفاضل آنها از مقادیر جریان بالقوه گردشگری میان زوج کشورها، میزان شکاف جریان گردشگری میان زوج کشورها به دست آمد:

ردیف	زوج کشور (مبدأ-مقصد)	شکاف جریان گردشگری
۱	مولداوی-ایران	-۵/۹۱
۲	قزاقستان-ایران	-۵/۲۷
۳	بلاروس-ایران	-۴/۳۵
۴	قرقیزستان-ایران	-۳/۷۸
۵	اوکراین-ایران	-۳/۵۹
۶	گرجستان-ایران	-۳/۲۱
۷	روسیه-ایران	-۳/۰۷
۸	تاجیکستان-ایران	-۲/۸۸
۹	ترکیه-ایران	-۰/۳۳

جدول ۷: کشورهای دارای شکاف جریان گردشگری منفی با ایران

ردیف	زوج کشور (مبدأ-مقصد)	شکاف جریان گردشگری
۱	آذربایجان-ایران	۰/۰۵۴

جدول ۸: کشورهای دارای شکاف جریان گردشگری مثبت با ایران

نتیجه‌گیری

در دنیای کنونی برقراری روابط و ایجاد جریان‌های بین‌المللی بین کشورها، یکی از راه‌های مؤثر در توسعه همه‌جانبه آنها و قرار گرفتن در مسیر رشد و پیشرفت است. در این میان توسعه روابط گردشگری به عنوان یکی از جریان‌های تأثیرگذار بین‌المللی شناخته شده و پیامدهای آن منجر به توسعه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی می‌گردد.

از این‌رو، جمهوری اسلامی ایران نیز می‌تواند مسیر توسعه و تعمیق روابط گردشگری خود با کشورهای دنیا را با موفقیت طی کند که لازمه آن، توجه به قابلیت‌ها، ظرفیت‌ها و توانایی‌های بالقوه خویش است. در صورتی‌که، توسعه اقتصادی به عنوان یکی از اهداف توسعه گردشگری در نظر گرفته شود، تعیین اینکه کدام کشورها کمتر، بیشتر و یا برابر ظرفیت گردشگری خود با ایران دارای مبادله گردشگر هستند، اهمیت بسیاری دارد. به همین سبب لازم است ابتدا میزان بالقوه این ظرفیت را برای ایران شناسایی کنیم و اولویت‌های توسعه روابط گردشگری این کشور را با تک‌تک کشورها مورد بررسی قرار دهیم و سپس مشخص سازیم بیشترین ظرفیت گردشگری ایران در کجا نهفته است.

نتایج حاصل از مدل نهایی پژوهش نشان داد که از میان متغیرهای مستقل بررسی شده، به ترتیب اهمیت؛ تعداد میراث جهانی ثبت شده در کشور مقصد به عنوان عامل جذب‌کننده مقصد برای گردشگران کشور مبدأ، فاصله جغرافیایی میان مبدأ و مقصد به عنوان عامل بازدارنده حرکت گردشگران از کشور مبدأ به مقصد، جمعیت کشور مبدأ به عنوان عامل محرک در جذب گردشگران کشور مبدأ و همچنین معیار اندازه بازار، از عوامل مؤثر در

جریان گردشگری میان زوج کشورها بوده و این متغیرها می‌توانند ۴۲ درصد تغییرات جریان گردشگری میان کشورها را تشریح نمایند.

در جداول (۷) و (۸) نتایج مربوط به زوج کشورهایی که در آنها ایران به عنوان مقصد است، مشخص شده است. جدول (۷) مربوط به کشورهایی است که شکاف جریان گردشگری میان آنها و ایران منفی است و اولویت‌بندی کشورها بر اساس میزان شکاف به دست آمده به ترتیب با کشورهای مولداوی، قزاقستان، بلاروس، قرقیزستان، اوکراین، گرجستان، روسیه، تاجیکستان و ترکیه است. جدول (۸) مربوط به کشورهایی است که شکاف جریان گردشگری میان آنها و ایران مثبت است، که فقط شامل کشور آذربایجان است.

پیشنهادات

با توجه به اینکه وجود شکاف جریان گردشگری منفی نشان دهنده این واقعیت است که ایران از تمام ظرفیت‌های خود برای جذب گردشگران مقصد استفاده نکرده و در واقع جریان بالفعل گردشگری ایران با این کشورها زیر ظرفیت بالقوه است، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان صنعت گردشگری با برنامه‌ریزی و بازاریابی مناسب، ایجاد انگیزه و رفع موانع می‌توانند تعداد گردشگران بیشتری از این کشورها جذب نمایند. این برنامه‌ریزی می‌تواند در دو مرحله انجام پذیرد: در دوره کوتاه‌مدت، ابتدا کشورهایی که دارای شکاف جریان کمتری هستند مدنظر قرار گرفته و با انجام فعالیت‌های مؤثر بازاریابی می‌توان تعداد گردشگران ورودی از این کشورها را به حالت تعادل نزدیک‌تر کرد. در دوره بلندمدت، بیشتر با تمرکز بر کشورهایی که دارای شکاف جریان گردشگری بزرگتری هستند با رفع موانع و ایجاد تسهیلات لازم، شرایط مناسب را برای جذب گردشگر از این کشورها فراهم آورد.

وجود شکاف جریان گردشگری مثبت بین ایران و آذربایجان نیز نشان دهنده موفق بودن ایران به عنوان کشور مقصد در بهره‌گیری از ظرفیت‌های خود در جذب گردشگران این کشور بوده، در نتیجه باید برنامه‌هایی را برای حفظ وضع موجود و سپس ارتقاء کیفیت

خدمات گردشگری برای افزایش طول مدت اقامت و همچنین افزایش میزان هزینه‌کرد گردشگران کشور مبدأ به کار گیرد.

در پایان از جمله موضوعاتی که می‌توان برای پژوهش‌های آتی پیشنهاد کرد، به موارد ذیل اشاره می‌شود:

- ارزیابی جریان بالفعل و بالقوه گردشگری ایران و سایر مناطق، مانند اروپا، آمریکا، آسیای شرقی و... با استفاده از الگوی گرانشی.
- ارزیابی جریان بالفعل و بالقوه گردشگری میان ایران و کلیه کشورها با استفاده از الگوی گرانشی و داده‌های مربوط به سال‌های مختلف و ارائه آن به سازمان‌های مربوطه.
- بررسی عوامل مؤثر در کاهش شکاف جریان گردشگری میان ایران و سایر کشورها.

منابع

- Cong, G., Yaqing, G(۲۰۱۳). "Influence if cultural difference on inbound tourists based on gravity model", *Information Technology Journal*, ۱۲ (۲۲): p۷۰۳۳-۷۰۳۶.
- Karagoz, Kadir, OzanSaray, M(۲۰۱۰). "Trade Potential of Turkey with Asia-Pacific Countries: Evidence from, Panel Gravity Model", *International Economic Studies*, Vol. ۳۶, No. ۱ (New Issue), ۱۹-۲۶.
- Keum, K(۲۰۱۰). "Tourism flows and trade theory: A panel data analysis with the gravity model", *The Annals of Regional Science*, ۴۴, ۵۴۱-۵۵۷.
- Kimura, F., & Lee, H.-H(۲۰۰۶). "The gravity equation in international trade in services", *Review of World Economics*, ۱۴۲, ۹۲-۱۲۱.
- Mansfeld, Y(Anoun). *Spatial patterns of international tourist flows: towards a theoretical framework*.
- Marrocu, E., & Paci, R(۲۰۱۳). "Different tourists to different destinations: Evidence from spatial interaction models", *Tourism Management*, ۳۹, ۷۱-۸۳.
- Morley, C., Rosselló, J., Santana-Gallego, M.(۲۰۱۴). "Gravity models for tourism demand: theory and use", *Annual of Tourism Research*, ۱-۱۰.
- Nasiri, N., Haji HassaniAsl,S(۲۰۱۳). "Assesment of IRAN's International Trade Potential (AGravity Model Analysis)", *Reef Resources Assesment and Mngement Technical Paper*, RRAMT. Vol ۳۸, ۲۰۱۳, ۵, ۳۹۸-۴۰۸.
- Pearce, D.G. (۱۹۷۸). "Demographic variations in international travel", *Tourist Review*, ۳۳ (۱), ۴-۹.
- Peng, B., Song, H., Crouch, G.I(۲۰۱۴). "A meta-analysis of international tourism demand forecasting and implications for practice". *Tourism Management*, ۴۵, ۱۸۱-۱۹۳.
- Prideaux, B(۲۰۰۵). "Factors affecting bilateral tourism flows", *Annals of Tourism Research*, ۳۲, ۷۸۰-۸۰۱.
- Santeramo, F. G., Morelli, M. (۲۰۱۵). "Modelling tourism flows through gravity models: a quantile regression approach. Routeledge", *Current Issues in Tourism: Routeledge*, <http://dx.Doi.Org/۱۰.۱۰۸۰/۱۳۶۸۳۵۰۰.۱۰۵۱۵۱۸>.
- Song, H., & Li, G. (۲۰۰۸). "Tourism demand modeling and forecasting – A review of recent research", *Tourism Management*, ۲۹, ۲۰۳-۲۲۰.
- White, K.J. and Walker, M.B. (۱۹۸۲). "Trouble in travel account", *Annals of Tourism Research*, ۹ (۱), ۳۷-۵۶.

